

زمينه شناخت ٲٲبور

نويسنده: حيدر كاكي

انتشارات مشاهير هنر



مرکز موسیقی بٲھوون شیراز

سرشناسه : کاکي، حيدر، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پديدآور : زمينه شناخت تنبور/ نوشته حيدر کاکي.
مشخصات نشر : تهران: مشاهير هنر، ۱۴۰۰.
شابک : 978-622-97778-1-7:
وضعيت فهرست : فييا
نويسی
يادداشت : کتابنامه: ص. ۱۷۷ - ۱۷۹.
موضوع : تنبور
موضوع : Tanbur
رده بندي کنگره : ۱۰۱۵ML
رده بندي ديويي : ۷۸۹/۷۹
شماره کتابشناسی ملی : ۷۶۴۸۰۴۱

مشاهير هنر

انتشارات مشاهير هنر

عنوان: زمينه شناخت تنبور

مؤلف: حيدر کاکي

ناشر: مشاهير هنر

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۷۷۸-۱-۷

چاپ و صحافی: برجسته

قيمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

آدرس انتشارات: تهران، خيابان مدنی شمالي، جنب مترو فدک، ساختمان پالميرا، طبقه ۵
واحد ۵۰۵، تلفن همراه ۰۹۱۲۷۰۹۴۰۵۹، آدرس سايت www.mashahirehonar.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار استاد علی اکبر مرادی
۷	مقدمه نگارنده
۹	موسیقی
۱۲	تاریخچه تنبور
۲۰	الف: دوران صفویه
۲۲	ب: دوران قاجار
۴۳	پارسان « اهل حق »
۵۰	تنبور پارسان « اهل حق »
۵۶	مشخصات و شکل ظاهری و خواص مواد
۶۳	کوک تنبور
۶۶	عوامل فنی در اجرا
۶۸	انواع مضراب
۷۴	تکنیک‌های اجرایی دست چپ
۷۶	نوازندگان این ساز
۷۸	کلام خوانان و نوازندگان برجسته تنبور در صد سال گذشته
۷۸	الف: کلام خوانان و نوازندگان تنبور گوران
۱۰۲	ب: کلام خوانان و نوازندگان تنبور کرند
۱۰۷	ج: نوازندگان تنبور حوزه کرمانشاه
۱۱۴	د: کلام خوانان و نوازندگان تنبور منطقه صحنه
۱۲۲	ح: نوازندگان و کلامخوانانهای منطقه لرستان و لکستان
۱۲۴	سازندگان ساز تنبور
۱۳۰	نظریه‌های استاد اسدالله در مورد ساخت تنبور
۱۳۷	موارد استفاده از تنبور
۱۴۳	مقام
۱۴۶	مقام‌های تنبور
۱۵۰	خصوصیات مقامات تنبور
۱۶۲	بررسی و تجزیه و تحلیل مقامات یاری به روایت استاد علی اکبر مرادی
۲۰۱	روایت‌های دیگر
۲۰۲	منابع و مأخذ

موسیقی

پدیده شناخت موسیقی همان پدیده‌ای است که از اصل تعریف و تعیین فنهای انسانی است در ارتباط با جهان و با پروردگار و با جامعه بشری بدون تفکری در باب انسان، بدون نگرستن به طرح یک فلسفه یا حکمت الهی ممکن نیست بتوان تفکری روشن در باب موسیقی داشت.

خداوند از میان هنرها، موسیقی را برگزید تا روح را به سفر زمینی اش راضی کند. شاید چون هفت نت موسیقی، چیزی جز نوایی مجرد نیست، و به عنوان جزئی از یک جمله از یک کل، حالت انتزاعی دارد، با این تعریف می توان گفت که موسیقی به روح شبیه است که مجرد نسبی است و از سویی دیگر نت از جنس نفخه است، همچون روح که از دم پروردگاری است، و از همین جا است که موسیقی، روح را محفوظ می کند، و به گفته عارفی بزرگ: موسیقی زبان خداوند است.

ارتباط موسیقی و عرفان از دیرباز وجود داشته است و در همه آئینها و نحله‌های عرفانی، نشانی از پیوند عمیق این دو عنصر را پیدا می کنیم: یسنا خوانی یا تلاوت اوراد و ادعیه زرتشتی، نواختن کلاوتی، ساز آسمانی - توسط گندهرود - خنیاگران بهشتی در آیین هندو، کیشهای دیونیسوس، آپولون، اورفئوس و... و نقش موسیقی در آن، در یونان باستان. نواختن سیسترون - ساز کوبشی مصر باستان - و گذران آن به سومر و یونان، تغنی زبور و غزل غزلها، موسیقی کلیسایی، موسیقی تروبادورها (زائران مسیحی قرون وسطی) و غیره همه نشان از این پیوند دارند. در عرفان اسلامی نیز موسیقی جایگاهی بس رفیع دارد. موسیقی عرفانی آناتولی، موسیقی و رقص چرخان سالکان مولویه، موسیقی مذهبی مغرب (مراکش) و موسیقی اهل عرفان در ایران، موسیقی عاشقان خراسان، و تنبور بلوچ و ... از این جمله‌اند.^۱

موسیقی عرفانی مناطق کردنشین نیز بخش عظیمی از موسیقی عرفانی ایران را می سازد. کردها موسیقی خود را در ذکرهای یارسان توسط تنبور (جم یارسان) و در ذکر دراویش (قادریه و

۱. موسیقی و عرفان، ژان دورینگ، پیشگفتار مترجم، سودابه فضایی.

نقشبندیه) به همراه دف اجرا می‌کنند ولی اعتقادات آنان به دلایلی همواره نسبتاً مهجور مانده است.

«روایت‌های باستانی یا اساطیری myths سرآغاز موسیقی را به روزگاران بسیار دور می‌رساند. مثلاً در عرب سرودن به جبل Jubal فرزند کین یا قین Cain Quin (قابیل نسبت می‌دهند که در مرگ ابل Abel هابیل خوانده است)^۱ نیز عبدالقادر مراغی می‌گوید: «چون به امر خالق بی‌چون و روح در بدن آدم (ع) درآمد نبض او در حرکت آمد و صوت خود لازمه ی انسان است.»^۲ سرانجام در متون یارسان (اهل حق) مکتوب است که چون روح از آمیختن با تن به انسان خاکی خودداری نمود به امر خاوندکار پیر بنیامین روح را با نوای تنبور و مقام «ته زر» به کالبد آدم خاکی دمیدند.

از مجموع این چنین داستانها می‌توان نتیجه گرفت که موسیقی از ازل همزاد بشر بوده است. موسیقی زبان دل است، اگر کلامی از بیان مافی الضمیر ناتوان باشد، موسیقی آنجا سخن را آغاز می‌کند. اگر برای تجربه پای یک دستگاه پخش بنشینید و بی فاصله چندین نوار از شرق و غرب عالم را گوش بدهید، مسلماً احساس خواهید کرد که موسیقی هر سرزمینی با زیر و بم اصوات خود، حال و هوای آن سرزمین را بدون کلام به مخاطب منتقل می‌کند، به اغراق می‌توان گفت که موسیقی هندی حتی رایحه ادویه آن دیار را به مشام انسان می‌رساند. موسیقی کشور دیگر آلام و مصائب زندگی مردم خود، دردها، رنجها، شادی‌ها، و در یک کلمه فرهنگ خود را به طور بیان ناپذیر در اصوات زیر و بم در فضای اطراف انسان بازتاب می‌دهد.

در اساطیر چنین آمده است که موسیقی را از آواز ققنوس گرفته‌اند. این پرنده افسانه‌یی منقاری دراز دارد که تا سیصد و شصت یا شاید سیصد و شصت و پنج سوراخ دارد که به تعداد ایام سال است. بر ستیغ کوهی می‌نشیند که احتمالاً آن کوه دنیاست و نواهایی

۱. به نقل از شناخت موسیقی ایران، محمد تقی بینش، ص ۱۵.

۲. مقاصد الحان، عبدالقادر مراغی، ص ۱۳۷، اقتباس از شناخت موسیقی ایران - محمد تقی بینش.

سر می‌دهد، هر روز نوایی نو. هزار سال می‌زید، هزار سالی که نماد کمال است. جفت ندارد و چون عمرش به پایان نزدیک شود و سال کمال را بپیماید، هیزم گرد می‌آورد و بر بالای آن می‌نشیند و نغمه سر می‌دهد. بالها بر هم می‌کوبد، از بر هم خوردن بالهایش جرقه‌یی می‌جهد و در هیزم می‌گیرد، هیزم زبانه می‌کشد و ققنوس می‌سوزد، از خاکسترش تخمی پدید می‌آید و ققنوس دیگری می‌شود و زندگی هزار ساله دیگر آغاز می‌شود.

باز گفته‌اند که صدای زبان نبض آدم آهنگ موسیقی بوده است. نخستین ساز را یکی از فرزندان قابیل اختراع کرده و فیثاغورث از شنیدن صدای چکش آهنگران سازی ساخته و الحان موسیقی را به عدد افلاک مرتب کرده است. این علم را او استخراج کرده است. گویند سبب وقوف فیثاغورث بدین علم آن بود که شبی در خواب دید که شخصی پیش او آمد و گفت فردا به بازار آهنگران یا بازار ندافان گذری کن تا رازی از اسرار حکمت بر تو کشف گردد. چون بیدار شد به بازار رفت، منتظر کشف آن راز بود. از شنیدن آواز برخورد چکش و سندان، تناسبی برقرار کرد و از آن تناسب لذت می‌برد. در گوشه‌یی نشست و مویی در دهان گرفت و با سر ناخن آن موی را به لرزه درآورد، آوازی ضعیف بیرون می‌آمد. موی را به ابریشم بدل کرد، می‌اندیشید که آن ابریشم را به چیزی ببندد. روزی از دامنه کوهی می‌گذشت، لاک پستی مرده یافت که پوسیده بود و پوستی روی کاسه باقی مانده بود، چون باد در آن می‌افتاد، بانگی برمی‌خاست. آن را برداشت و اصل بریط ساخت و دسته بر آن بست و در تکمیل آن کوشید و به کمال رسانید.

آنچه از این روایات برمی‌آید که قابل انکار هم نیست، این است که بشر از روزی که خود را شناخته، موسیقی را هم شناخته است. بسیاری گفته‌اند که موسیقی ایران از عرب گرفته شده است، یا اعراب موسیقی خود را از ایران گرفته‌اند. از باربد سخن به میان آورده‌اند که شاید به تقلید از ققنوس برای هر روز نوایی ساخته بود.

در دوره اسلامی که اسلام غنا را مجاز نمی‌شمرد، پیشرفت موسیقی کندتر شد. در دوره امویان هم موسیقی به دربارها راه پیدا کرد، اما مخالفت قشریون راه را بر توسعه موسیقی بست.

فارابی (درگذشته ۳۳۹ هـ) موسیقی را در ایران به صورت علمی و مدون در آورد و با کوشش وی است که این فن دارای کتاب شده و رنگ علمی به خود گرفته است. موسیقی دان بزرگی چون صفی الدین ارموی هم که قریب سه قرن بعد از فارابی می زیست، چند کتاب به عربی نوشت و عبدالقادر مراغی (درگذشته ۸۳۸ هـ) از دانشمندانی است که چندین کتاب به زبان فارسی در موسیقی تألیف کرده و کتاب مقاصد الالحان او را مرحوم محمدتقی بینش به چاپ رسانده است.^۱

تاریخچه تنبور

بدون وارد شدن به جزئیات تاریخ موسیقی، آثار و نقوش برجسته به جای مانده از اقوام عهد باستان (آریایی ها - مادها - آشورها - ایلامها - مصر و هند و یونان) و رسالات کهن فارسی، می توان گفت قدمت تنبور - این ساز کهن ایران زمین - به پنج الی شش هزار سال پیش می رسد. متداولترین سازهای زهی در ایران باستان «چنگ، تنبور و بربط» بوده است.

«در کتاب دیکشنری گراو که در زمینه سازشناسی نوشته شده است پیدایش این ساز (تنبور) به دوران باستان یعنی هزاره سوم قبل از میلاد مسیح می رسد و نقوش برجای مانده از آن دوران حاکی از آن است که این ساز دارای کاسه کوچک و دسته ای باریک و بلند بوده است.^۲» در کاوشهایی باستان شناسان در تپه های بنی یونس واقع در حوالی شهر موصل که مربوط به دوره آشوریان است، نقوش برجسته ای از نوازندگان تنبور یافت شده که سه هزار سال از تاریخ نقش آنها بر روی آن تخته سنگها می گذرد.

محمدتقی بینش در کتاب شناخت موسیقی ایران می نویسد: «برای اطلاع از سازهای باستانی و اصیل ایرانی در دوران پیش از اسلام می توان از متون پهلوی و مانوی نیز استفاده کرد. به عنوان مثال در کارنامه اردشیر بابکان یکی از متن های زیبای پهلوی چنین

۱. سه رساله موسیقی قدیم ایران، پیشگفتار انجمن خانم ثابت زاده در مورد موسیقی، ص ۴.

۲. دیکشنری گراو، The New Grove of Musical Instruments.



خانه ی تنبور، کرمانشاه، گوران

مشاهیر هنر
انتشارات مشاهیر هنر